

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

و صلى الله على سيدنا محمد و على اهل بيته الطيبين الطاهرين

با کسب اجازه از محضر شیخنا الاستاذ حضرت آیت الله فاضل لنکرانی (مدظله) و عرض پوزش و عذرخواهی از تصدیق وقتی که از معظم‌له و سایر افاضل می‌شود.

سه شنبه آخرین روز تحصیلی هفته ماضی توسط برخی از دوستان مطالبی بیان شد که به توهم بنده اجازه از حضرت اجازه گرفته شده بود و لکن بعد معلوم شد که چنین اجازه‌ای داده نشده و لکن برای این‌که ممکن است شبهه‌ای در ذهن أعزه به جود آمده باشد، بنده عرایضی را لازم دانستم با کسب اجازه از حضرت استاد بیان کنم.

پیش از ورود به بحث، وصیتی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) به فرزند مکرم‌شان امام مجتبی (علیه السلام) قرائت می‌کنم جهت استفاده:

«...إِنَّ الْعَالِمَ مَنْ عَرَفَ أَنَّ مَا يَعْلَمُ فِيمَا لَا يَعْلَمُ قَلِيلٌ فَعَدَّ نَفْسَهُ بِذَلِكَ جَاهِلًا فَازْدَادَ بِمَا عَرَفَ مِنْ ذَلِكَ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ اجْتِهَادًا فَمَا يَزَالُ لِلْعِلْمِ طَالِبًا وَ فِيهِ رَاغِبًا وَ لَهُ مُسْتَفِيدٌ وَ لِأَهْلِهِ خَاشِعٌ مُهْتَمٌّ وَ لِلصَّمْتِ لَازِمًا وَ لِلخَطَا حَازِرًا وَ مِنْهُ مُسْتَحْيَا وَ إِنْ وَرَدَ عَلَيْهِ مَا لَا يَعْرِفُ لَمْ يُنْكِرْ ذَلِكَ لِمَا قَرَّرَ بِهِ نَفْسُهُ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ إِنَّ الْجَاهِلَ مَنْ عَدَّ نَفْسَهُ بِمَا جَهَلَ مِنْ مَعْرِفَةِ الْعِلْمِ عَالِمًا وَ بَرَأَيْهِ مُكْتَفِيًا...» [1]

جهت استفاده بیشتر از متن، خودم ترجمه می‌کنم برای خودم و إلا شأن آقایان أجل است؛ حضرت امیر (علیه السلام) می‌فرمایند عالم کسی است که بفهمد آنچه می‌داند در برابر آنچه نمی‌داند قلیل است، از این رو خود را جاهل می‌داند و در تحصیل علم تلاش بیشتر می‌کند و همیشه طالب آن می‌باشد، در برابر علما فروتنی و سکوت و توجه می‌کند، از خطا بیم‌ناک و شرم‌نده می‌باشد، اگر مسئله‌ای که نداند پیش آید جهل خود را انکار نمی‌کند چون پیشاپیش به دانای خود اقرار کرده است.

اما جاهل کسی است که با همه جهالت‌هایی که دارد خود را عالم می‌شمارد، به رأی خود اکتفا می‌کند همیشه از علما دوری می‌کند، بر آن‌ها عیب می‌گیرد مخالفان را تخطئه می‌کند و هر چه را خود نمی‌داند گمراهی می‌شمارد، نسبت به مطالبی که نمی‌داند انکار می‌کند و از روی جهالت آن را تکذیب کرده و باطل می‌داند و می‌گوید باور ندارم چنین بوده، گمان ندارم چنین باشد، این حرف از کجا آمده؟

این همه رد و ایراد از اعتماد بیش از حد نظر خویش و عدم معرفت به جهالت خویش است، او بر اثر خودرأیی و اشتباه در تشخیص همیشه به دنبال جهل و منکر حق و در جهالت سرگردان می‌باشد و از طلب علم نزد علما تکبر می‌ورزد.

اولاً از حضرت استاد (مدظله) به جهت رعایت مسائل اخلاقی که همیشه ستودنی بوده و همچنین روز سه‌شنبه بر این ضوابط اخلاقی به ما درس دادند تشکر و قدردانی می‌کنم و انصافاً رعایت این مسائل اخلاقی برای ما درس‌آموز است. از این جهت که حضرت استاد همیشه و همواره دغدغه اسلام، شیعه، انقلاب، حوزه‌های علمیه و جامعه اسلام را داشته‌اند و دارند ممنون و سپاسگزاریم.

به خوبی می‌دانیم در حوادث واقعه خلف صالح مرجع فقید حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (قدس سره) هستید و ساکن نمانده و نمی‌مانید. چه بسا اگر مانند برخی ساکت بودید از جهت دنیوی و ظاهری بیش از این اثبات داشتید ولی انصافاً عامل به فرمایشات ائمه هدی (علیهم السلام) هستید که فرمودند «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَعَلَى الْعَالِمِ أَنْ يُظْهِرَ عِلْمَهُ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ سَلَبَ نُورَ الْإِيمَانِ» [2]

از این‌که گفته شد متأسفانه نسبت به ساحت شما تهمت‌ها و غیبت‌هایی روا می‌دارند باید عرض کنم شما خود بهتر می‌دانید که این ارثی است که از پیشوایان ما به بزرگان دین ما رسیده است و به قول استاد شهید علامه مطهری قطار در حال حرکت سنگ می‌خورد نه قطار ایستاده و ساکن.

از این باز ممنون و سپاسگزارم که هیچ گاه استاد بزرگوار ما هم و غم و وقت و آبرو و نیرو و دغدغه خویش را بر دفاع از خود در برابر این تهمت‌ها و غیبت‌ها ثبت نکرده بلکه به خوبی می‌بینیم که صرف نشر معارف و علوم اهل البیت (علیهم السلام) می‌شود و البته خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا» [3] و رسول مکرّم می‌فرماید «مَنْ احْتَقَرَ صَاحِبَ الْعِلْمِ فَقَدْ احْتَقَرَنِي وَمَنْ احْتَقَرَنِي فَهُوَ كَافِرٌ» [4]

روز سه‌شنبه از برخی طلاب معاصری نام برده شد که دچار توهماتی هستند. بنده خود شاهد برگزاری نشست‌های متعدد علمی و غیر علمی بوده و سایر اساتید با وی جلسات متعددی گذاشته اما مع الاسف پس از برگزاری این همه جلسه باز بر طبل جهل خویش کوبیده و مدعی هستند که کسی حاضر به پاسخگویی نیست. البته بعد از این همه نصیحت مشفقانه و پاسخگویی، البته که کس دیگری حاضر به جواب نیست.

ابتدا به نقد مکتب شیخ پرداخت، سپس به تراث قدیم حوزه حمله کرد، بعد به شورای عالی و جامعه محترم مدرسین و بزرگان و مراجع و دفاتر مراجع معظم، پس از آن به فقه جواهری و فقه سنتی که اکیداً مورد تأکید امام امت و مقام معظم رهبری است حمله کرده و اخیراً به لباس مقدس روحانیت و مع الاسف با دو شعار مقدس و بجا و به حق تحول و حوزه انقلابی.

این در حالی است که حوزه به دو بال علم و تقوا شناخته شده و با تحول قهقری علم را نشانه گرفته و با حوزه انقلابی به تفسیر خود تقوا و اخلاق را. شعار تحول و حوزه انقلابی در کلام مقام علمای ولایت حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) دارای شعور عقلایی و دینی است. تأکید مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) بر تحول و حرکت رو به جلوست، بر رعایت اخلاق، تقوا، و تکریم بزرگان و مراجع است ما رهبر و مقتدای خود را چنین یافتیم.

مگر مرحوم امام و مقام معظم رهبری به عنوان بزرگ فقیهان تمدن ساز خود متلبس به این لباس نیستند؟ مگر طلاب به دست مبارک ایشان معمم نشده و نمی‌شوند؟ مگر این دو بزرگوار در دروس خود همین روش شیخ و جواهر را ندارند؟ مگر مقام معظم رهبری موضوع درس خارج خویش را مکاسب محرمة و صلاة مسافر قرار نداده است؟ اما نسبت به آنچه مدام بر طبل عوام

پسند می‌زنند که چرا طلبه عصر مدرنیته باید تراث چند صد سال پیش را بخواند؟ پاسخ واضح است.

اولاً قیاس دانش و کتب برخواسته از آیات و روایات مانند خود کتاب وحی و سنت با سایر دانش‌ها و کتبی که آبشخور آن تجربه و فکر بشری است غلط و نیازمند اندک تأمل است.

ثانیاً در هیچ عرف و محیط عقلانی چوب حراجی که برخی به تراث شیعه می‌زنند عاقلی با سرمایه‌ها و تراث چنین فاخری نمی‌کنند.

ثالثاً همان گونه که رهبر حکیم انقلاب مدظله تأکید داشتند تحولی مجمع نظر است که رو به جلو باشد نه قهقری، حال اگر برآیند تحولی که برخی از آن دم می‌زنند آن چیزی است که در گفتارها و نوشته‌جات کتبشان عیان است بی‌جهت نیست که مخالفین تحول در حوزه مستمسک خوبی برای نتیجه تحول به دید گذاشته دارند که برآیند تحول را ببینید و انصافاً خیر الکلام کلام الامیر (علیه السلام) از قال «شَرُّ الْأَفْعَالِ مَا هَدَمَ الصَّبِيْعَةَ» [5]

رابعاً بر فرض که دلیل نقلی و عقلی بر لزوم بهره‌مندی از تراث قویم شیعی نداشته باشیم و ناجوانمردانه چشم بر خروجی عظیم این تراث عظیم ببندیم آیا تصور می‌شود قادرند طبقه اندیشمندان و اهل فکر حوزه انقلابی را مانند طیف درس و بحث گریز با تفنن در عبارت و استفاده از کلمات عوام فریب همراه خود کنند و ایشان را از عمل به فرمایشات بزرگ فقیه تمدن ساز یعنی مرحوم امام خمینی (قدس سره) و مقام معظم رهبری (مدظله) دور کنند؟ حاشا و کلا.

اگر مع الاسف برخی از طلاب کم حظ علمی گرداگرد برخی حتی از مطالعه فرمایشات حکیمانه بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری دوری می‌کنند ولی حوزه انقلابی از خطرات آینده انقلاب و حوزه انقلابی که آن بزرگ در طول عمر شریف خود ما را به آن تنبه داده غفلت نمی‌ورزد مانند این فرمایش که در کتاب ولایت فقیه فرمودند:

لازم است درس بخوانید فقیه شوید جدّیت در فقاهاست کنید نگذارید این حوزه‌ها از فقاهاست بیفتد، تا فقیه نشوید مطمئن باشید نمی‌توانید به اسلام خدمت کنید.

فقه را در حوزه‌های علمیه مثل قم و مشهد و امثالهم حفظ کنید، حوزه‌ها باید حوزه فقاهاست باشد این حوزه‌های فقاهاست بوده که هزار و چند سال این اسلام را نگه داشته، این مشی‌ای بوده که از زمان قدیم، از زمان ائمه هدی تا زمان ما مشی بوده که علمای ما داشتند و آن حفظ فقاهاست است، نباید شما حالا فکر کنید که باید در سیاست دخالت کنید، پس فقاهاست را کنار بگذارید، خیر! باید حوزه‌های فقاهاست به فقه خودشان به همان ترتیبی که سابق بوده هیچ تخطی نکنید، به همان ترتیبی که سابق تحصیل می‌کردید فقه و مقدمات فقه را محکم حفظ کنید.

من خوفم این است که ما نتوانیم روحانیت نتواند آن چه بر عهده‌اش هست صحیح انجام بدهد، من خوف این را دارم که به واسطه برخی تبلیغات حوزه‌های علمیه از آن کار اساسی که حفظ فقاهاست است سستی بکنند و کم‌کم فقه منسی شود، و در دراز مدت اینها نتیجه بگیرند، شما خیال نکنید اینها خیلی دست پاچه‌اند که همین دو سه روز این کار را انجام بدهند اگر نتوانستند که نتوانستند، اگر نتوانستند نقشه می‌کشند که در پنجاه سال دیگر کار خودشان را انجام بدهند، دست بر نمی‌دارند.

اگر یک وقت خدای ناخواسته حوزه‌های علمیه ما سست شد در تحصیل سست شد، در این‌که فقاهاست را تقویت کنند بدانند که این خیانت بزرگی به اسلام است و اگر چنانچه این فکر تقویت شود ما دیگر لازم نیست خیلی چه کنیم و فقاهاست تحصیل کنیم، این یک فکر شیطانی است، موافق آمال و امیال آمریکا در دراز مدت است.

اگر شما حوزه‌های فقه‌ای را، شما آقایان خراسان، قم، تبریز تقویت نکنید اینها را به همان فقه که تا کنون بوده است به فقه سنتی و جواهری و اگر فقه‌هایی تحویل جامعه ندهید مطمئن باشید نمی‌گذرد یک نیم قرن الا از این‌که از دین اسلام هیچ اسمی باقی نمی‌ماند، حفظ این حوزه‌ها، حوزه‌های فقه‌ت، حفظ این حوزه‌ها، حوزه‌های علمی به معنای سابق که بوده باید بماند.

من کراراً به همه تاکید کردم که درسهای حوزه باید به همان وجه سنتی خودش محفوظ باشد، فقه باید به همان فقهی باشد که در بین ماست، اگر از فقه سنتی منحرف شویم فقه از بین می‌رود باید به همان صورت و قدرتی که مشایخ ما از ابتدا تا به حال فقه را حفظ کرده‌اند حفظ کنیم برای اینکه افرادی مثل صاحب جواهر تربیت شوند باید دسته بسیاری محض بر تحصیل شوند، خود را مهیا کنند تا فقه به صورت قدیم تحصیل شود.

قضیه تحصیل هم باید به نحوی باشد که فقه سنتی فراموش نشود آن چیزی که تا به حال اسلام را نگه داشته همان فقه سنتی بوده و همه همت‌ها باید مصروف شود که فقه به همان وضعی که بوده محفوظ باشد، ممکن است اشخاصی بگویند که باید فقه تازه‌ای درست کرد، این آغاز هلاکت حوزه است و روی آن باید دقت شود، البته من آقایان را می‌شناسم به خاطر زحمتی که کشیده‌اید تشکر می‌کنم ولی باید خیلی توجه داشته باشید، در هر صورت آن چیزی که برای حوزه‌ها خطر است این است که ما این فقه را به نحوی که به دست ما رسیده به نسل آینده تحویل ندهیم.

فرمایشات مقام معظم رهبری هم یک قسمت‌هایی را می‌خوانم؛ باید تحول مدیریت شود، باید توجه شود که مایه علمی رقیق نشود، سطح مطلب شیخ اعظم پائین نیاید، سطح مطلب آخوند در اصول پائین نیاید، طلبه در خلأ دانایی نسبت به این مبانی که امروز در فقه و اصول ما عناصر مهم و اثرگذاری است قرار نگیرد، عبارات صحیح و خوب و عربی باشد، بنده بعضی از نوشته‌جات حوزه را که ملاحظه می‌کنم متأسفانه از این جهت ما یک مقدار کمبود داریم، نقص داریم، باید درس بخوانیم.

بنده از دوران مبارزات خود درگیر مبارزات بودم در مشهد درس مکاسب و کفایه می‌دادم خیلی از شاگردهای ما درگیر مبارزات بودند از بس گرم کارهای مبارزاتی می‌شدند به نظرشان می‌آمد که این حرفهای مکاسب و استدلال‌های کفایه فایده‌اش چیست؟ مکرر به آنها می‌گفتم آقایان بی‌مایه فطیر است باید مایه پیدا کنید، اگر مایه پیدا کردید بعد می‌توانید در منصب و جایگاهی مثل جایگاه امام بزرگوار عالی مقام این حرکت را انجام دهید.

ما باید به فقه عمق ببخشیم، از سطحی‌نگری در فقه باید پرهیز شود، امروز فقه ما باید از فقه زمان شیخ و شاگردان شیخ و شاگردان شاگردان شیخ عمیق‌تر باشد در مسائل به هیچ وجه نباید سطحی فکر کنیم، باید به فقه پیچیدگی و عمق ببخشیم، این یک بُعد از ابعاد پیشرفت فقه است. 70 / 6 / 31

تحول یعنی چه، حوزه می‌خواهد چکار کند که اسمش تحول باشد؟ اگر تحول را به معنای تغییر خطوط اصلی حوزه‌ها بدانیم مثل تغییر متد اجتهاد قطعاً این یک انحراف است، تحول است اما تحول به سمت سقوط، این چنین تحول و تغییر و دگرگونی غلط اندر غلط است، این عقب‌گرد است، نه، ما این را تحول نمی‌دانیم اگر چنین دگرگونی رخ بدهد قطعاً ارتجاع و عقب‌گرد و این را قبول نداریم. 89 / 7 / 29

اجتهاد یعنی چگونگی استفاده معارف از منابع، یعنی متد، به تعبیر فرنگی که بنده اصرار دارم استفاده نکنم اما اینجا ناچارم. استفاده حقایق و معارف از منابع اجتهاد است، این اجتهاد را اگر انسان بخواهد دارا بشود باید تمرین کند، باید کار کند، این درس فقهی که شما می‌خوانید ولو طهارت باشد، حالا بعضی از طلبه‌ها می‌گویند چرا همیشه طهارت و چرا صلاة و مانند اینها. فرقی نمی‌کند، آن‌چه به شما این شیوه استنباط را یاد بدهد مورد نیاز شماست، گاهی در یک مسئله‌ای مربوط به طهارت است، گاهی در یک مسئله مربوط به صلاة است، گاه مربوط به بحث معاملات و اجاره.

شما باید بدانید چطور استنباط کنید، اگر این طریقه استنباط را یاد گرفتید آن وقت ارزشهای اخلاقی را هم درست از کتاب و سنت استفاده می‌کنید، نه مثل بعضی از نیمه سوادها، احترامشان کنیم و نگوئیم بی‌سواد، نیمه سواد که یک چیزی یاد گرفتند راجع به مسائل دینی اظهار نظر می‌کنند به یک آیه هم گاهی استناد می‌کنند، معنای این آیه این نیست! این به خاطر ضعف در فهم آیه و استنباط از آیه است، و به خاطر همین است که اجتهاد وجود ندارد پس درس خواندن برای مجتهد شدن لازم است. 18 /

98 /2

کسی نمی‌تواند بگوید حوزه دچار عقب‌گرد است، نه! از این جهت که بررسی می‌کنیم حوزه پیشرفت کرده، حرفهای گذشتگان هم دست علمای امروز است، امروز یک کتاب مکاسبی که شما می‌خوانید درس خارج شیخ است، عالی‌ترین تحقیقات شیخ همین‌هاست، کفایه‌ای که شما می‌خوانید اوج افکار اصولی محقق خراسانی است، اگر امروز طلبه کفایه‌خوان ما کفایه را می‌خواند آن را بفهمد، مثل اکابر شاگردان آخوند که آن روز آن حرفها را بلد شده‌اند فهمیده است منتهی باید بداند که امروز پله آخر این نیست ولی آن روز پله آخر بوده. بنابراین حوزه در فقه و اصول در کار حوزه‌ی کمی و تبلیغات و گسترش خود و توسعه در اطراف عالم و مسئولیت‌هایی که بر عهده اوست با گذشته تفاوت بسیار کرده است.

همان گونه که حضرت استاد فرمودند در پایان از دوستان تقاضا می‌کنیم، کلاس و مدرسه محل درس و بحث مباحث علمی است، اگر نکته‌ی غیر علمی دارند به صورت خصوصی در دفتر معظم له مشرف شوند و بپرسند، این‌که در درس بلند شوند بدون اجازه همینطوری در جمع بگویند نمی‌شود، در درس و مدرسه فقط مباحث علمی.

در پایان روایتی از امیرالمؤمنین(ع) عرض کنم:

«أَفْقُ أَهْلِ السَّامِعِ مِنْ سَكْرَتِكَ وَ اسْتَيْقَظُ مِنْ غَفْلَتِكَ وَ اخْتَصِرُ مِنْ عَجَلَتِكَ وَ أَنْعِمِ الْفِكَرَ فِيمَا جَاءَكَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ صِ مِمَّا لَا بُدَّ مِنْهُ وَ لَا مَحِيصَ عَنْهُ وَ خَالَفَ مَنْ خَالَفَ ذَلِكَ إِلَى غَيْرِهِ وَ دَعَا وَ مَا رَضِيَ لِنَفْسِهِ وَ ضَعَّ فُحْرَكَ وَ أَحْطَطُ كِبْرَكَ.» [6]

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

بیانات حضرت آیت الله فاضل لنکرانی(دامت برکاته)

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

از جناب مستطاب آقای آزادمنش که مطالب بسیار خوبی را ارائه فرمودند و با این‌که این فرمایشات امام و رهبری را قبلاً هم شنیده بودیم.

اما انسان احساس می‌کند تکرار آن برای بنده هم لازم است و من تشکر می‌کنم و پیداست که آن‌چه ایشان امروز ایراد کردند و ذکر کردند روی دلسوزی و روی وظیفه و از باب حفظ کيان حوزه هست و نه دفاع از یک شخص حقیری مثل بنده، چون یکی از آقایان یک روزی همین جا که البته من معتقدم از ایشان خواسته شده بود که اینجا صحبت کند ولو این‌که واقعاً ایشان هم طلبه بسیار متدین و خوبی است، امروز که ظاهراً نیستند، ولی پیدا بود مطالبی که ایشان بیان کرد از سر عدم اطلاع است و جناب آقای آزادمنش خواستند نکاتی را در این رابطه بیان کنند و مطالب بسیار خوبی هم بود.

واقع مطلب این نکته‌ای که آقای بهمن‌نژاد هم اشاره کردند، حقیقت تحول را هم امام و هم رهبری در فرمایشات‌شان خیلی دقیق

بیان کردند منتهی ما طلبه‌ها یک لفظی را می‌شنویم اما دیگر دنبال تفسیرش از لسان همین بزرگان نیستیم، خودمان می‌خواهیم معنا کنیم می‌گوئیم تحول یعنی مکاسب را کنار بگذارید، کفایه را کنار بگذارید، بعد هم بالاتر، روش اجتهادی اینها را هم کنار بگذارید.

یک وقت یک کسی می‌گفت این متن یک اشکالات و معایبی دارد اما مخالفت با روش اجتهادی یعنی چه؟ یعنی یک خط بطلان بر اجتهاد هزار ساله فقها کشیدند، این همان است که امام فرمود یعنی هدم اسلام، این روش را کنار گذاشتن که من البته در صحبت‌ها مکرر گفته‌ام، روش دیگری معقول نیست مگر این‌که آن یک اجتهاد غیر دینی بخواهد باشد، اما اگر اجتهاد منضبط دینی، یعنی چارچوب دارد، چارچوبش هم دین است، منابعش قرآن، سنت، عقل، اجماع و سایر ضوابط اجتهادی است.

وقتی می‌گوئیم روش اجتهادی آخوند را کنار بگذاریم یعنی کفایه و مباحث اصولی را کنار بگذاریم، وقتی ما مباحث و قواعد اصولی را کنار گذاشتیم باید یک چیزهای دیگری در کار بیاوریم، باید بیائیم قرآن را بر طبق آن‌چه که هرمونوتیک امروز به ما می‌گوید تفسیر کنید و هرمونوتیک همین می‌شود که آن شخص را منتهی کرد به این‌که بگوید این کلام کلام خدا نیست، نتیجه قهری می‌شود.

وقتی می‌گوئیم این روش اجتهادی سلف را کنار بگذاریم بیائیم علم تفسیر متن که متأسفانه اینها را هم این آدم خوب نفهمیده و آمده در موردش حرف زده، علم تفسیر متن را اولاً به چه دلیل این متن قرآن با متن سایر کتب بشری را یکسان قرار بدهیم؟ این متن یک متن اعجازی دائمی الی یوم القیامه است. آمدند همان قواعدی که فلاسفه امروز بشر - البته مال حالا هم نیست و مال 50 الی 60 سال گذشته است - می‌آیند مسئله تفسیر متن را مطرح می‌کنند این تفسیر متن دو نتیجه علی سبیل منع الخلو دارد، یا منتهی می‌شود به این‌که ما متن را اصلاً نمی‌فهمیم، این متن برای یک شرایطی، متکلم در یک حالاتی، مخاطب با یک خصوصیات، قرائن آن زمان با یک خصوصیات بوده پس ما متن را اصلاً نمی‌فهمیم، به این معناست که قرآن و سنت را کنار بگذاریم، قرآن و سنت را که کنار گذاشتیم با چه چیزی اجتهاد کنیم؟ اصلاً اجتهادی معنا ندارد، روش اجتهادی معنا ندارد.

این‌که من می‌گویم روش اجتهاد غیر از این معقول نیست، اصلاً این روش جوشیده از این چارچوب دینی است یعنی وقتی یک نفر معتقد است که این آیه شریفه «کُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقَصَاصُ» [7] خدای تبارک و تعالی وقتی نازل کرده برای بشر الا یوم القیامه نازل کرده، وقتی من این را می‌پذیرم می‌گویم در زمان ما هم این بر ما حجت است، اما اگر مثل آن آقای که بعداً هم از لباس بیرون رفت تقریباً بیش از 20 سال پیش که من یادم هست آن اوایلی که ما را برای جامعه مدرسین دعوت کرده بودند سال 1374 بود، اولین جلسه‌ای که من رفتم برای جامعه، نوشته‌ی آن آقا را بردم و گفتم این حرفها را شما چکار می‌خواهید بکنید؟ گفته بود این «کتب علیکم القصاص» مال آن زمان قدیم بوده که اگر از یک قبیله‌ای کسی کشته می‌شد اینها ده نفر از آنها می‌کشتند اسلام آمد گفت یکی به یکی، ولی این قضایا مال حالا نیست. البته ریشه این حرفها از غرب آمده نه این‌که از همین کشور ما تولید شده باشد، غربی‌ها هم همین که امام فرمود، امام چه زمانی این مطالب را فرمود که آغاز انحراف و سقوط مخالفت با فقه و اجتهاد و این روش اجتهادی است، اینها مسئله مهمی برای ماست.

عرض کردم هرمونوتیک می‌گوید یا شما این متن را نمی‌فهمید یا باید یک تفسیر عصری کنید، یعنی تفسیری بر غیر آنچه که خدای تبارک و تعالی ارائه کرده، تفسیر عصری، تفسیر عرفی، هر عرفی در هر زمانی به میل خودش، این نتیجه‌اش می‌شود. حالا ممکن است بعداً این حرف را عده‌ای بگویند که شما هرمونوتیک را درست معنا نکردید، همین است، کُنه هرمونوتیک همین است یا اصلاً باید بگوئیم این کلام را خدا نفرموده و این کلام بشر عادی است، پس طبق ضوابط بشری معنا کنیم.

آن آدمی که می‌گوید این آیات قرآن ترشحات روحی وجود مبارک پیامبر بوده و این کلام خدا نیست نتیجه بعد از آن این است که این آیات را باید تفسیر بشری برایش کرد، نمی‌شود بیائیم مسئله این‌که بگوئیم یک آیه از اول بوده تا قیامت هم خواهد بود، اینها را

باید کنار بگذاریم و نتایج دیگری که هست.

واقع مطلب این است که مسئولین حوزه در این امر کوتاهی کرده‌اند، مسئولین حوزه باید این فرمایشات امام و این فرمایشات رهبری را اولاً در اختیار همه طلاب قرار بدهند، اینها چه فرمودند؟! ثانیاً آن‌ها باید جلسات مکرر برگزار کنند. گاهی اوقات می‌بینیم فرض کنید رهبری یک مطلبی را فرمودند آقایان هم احساس تکلیف می‌کنند یک جلسه ای را برگزار می‌کنند این کافی نیست، باید این مسائل برای طلاب از همان سال اول، طلبه‌ای که می‌خواهد لمعه بخواند، طلبه‌ای که کتابهای اصولی که حالا قرار دادند را می‌خواهد بخواند باید بدانند روش اجتهاد چیست و اجتهاد صاحب جواهر چطور بوده؟ اجتهاد شیخ چطور بوده؟ اجتهاد مرحوم سید یزدی چطور بوده؟ نائینی چطور بوده؟ امام چطور بوده؟ اینها روش‌های اجتهادی است در تحت آن روش اجتهادی منضبطی که بر همه اینها حاکم است دارند، اینها را باید تبیین کنند تا طلبه‌ها فکر دیگری نکنند و تزلزل پیدا نکنند.

علی ای حال امیدواریم ان شاء الله خدای تبارک و تعالی این حوزه‌های فقاہت را حفظ کند، ما مسئله شخصی نداریم و برای شخص یک انسان چه فرقی می‌کند، غیر از این‌که تازه این راه و روش اجتهادی خیلی مشکل است، می‌خواهند با یک روش اجتهادی دو سه ساله افراد را مجتهد کنند، پیداست، اینها خودشان طعم اجتهاد را نچشیدند که این حرف را می‌زنند، اجتهاد این نیست و باید ان شاء الله این اساس و این ضوابط و این چهارچوب‌های اجتهادی حفظ بشود.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين

-----

[1] تحف العقول، النص، ص: 73.

[2] عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص: 113.

[3] حج، 38.

[4] إرشاد القلوب إلى الصواب (الدیلمی)، ج 1، ص: 166.

[5] عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص: 294.

[6] نهج البلاغة (للصبحي صالح)، ص: 214.

[7] بقره، 178.